

کشیش تَت استیوآرت

تشخیص دعوت الهی

برای خدمت

مؤسسه "تعلیم"

TALIM Ministries

فهرست مطالب

۴	صفحه	خدایی که شما را دعوت می‌کند	بخش نخست:
۸		خدا چگونه دعوت می‌کند	بخش دوم:
۱۲		خدمات مختلف در کتاب مقدس	بخش سوم:
۱۶		دعوت الهی را با چه حالتی بشنویم	بخش چهارم:
۲۱		چگونه خدمت خود را کشف کنیم	بخش پنجم:
۲۵		اشتباهاتی که از آنها باید پرهیز کرد	بخش ششم:
۳۰		شاگردی که احساس بی‌لیاقتی می‌کند	بخش هفتم:
۳۴		خادم مشتاق	بخش هشتم:

مترجم: آرمان رُشدی

TALIM Ministries, Inc.

P.O. Box 47 17 36
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Fax: +1-303-873 62 16
E-mail: tatstewart@compuserve.com

(Anno Domini 2007)

خدایی که شما را دعوت می‌کند

”قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم، تو را شناختم؛ و قبل از بیرون آمدنت از رحم، تو را تقدیس نمودم“ (ارمیا ۱: ۵).

مرد جوانی که در کنار من ایستاده بود، تازه دعای گناهکاران را ادا کرده بود و مسیح را به‌عنوان منجی خود پذیرفته بود. آن یکی از لحظاتی بود که انسان احساس می‌کند که محبت خدا قلب تاریک و سرد دیگری را لمس کرده و چشمان دیگری را از برق حیات و امید جدید درخشان ساخته است. سپس، در نهایت تعجب شنیدیم که این طفل در مسیح گفت که از سوی خدا دعوت دارد تا شبان شود، و از من خواست تا بلافاصله بر او دست بگذارم و او را به خدمت تعیین کنم. ناگهان احساس کردم که زمان از حرکت باز مانده و گردبادی از سوالات به ذهنم هجوم آورده: خدا از چه طریق شخص را به خدمت فرا می‌خواند؟ آیا او نوایمانان را نیز به خدمت دعوت می‌کند؟ کلیسا یا بدن مسیح چه نقشی در این میان ایفا می‌کند؟

خداوند توصیه پولس رسول به تیموتاؤس را به ذهنم آورد که می‌فرماید: ”در دست گذاشتن بر کسی شتاب مکن و در گناهان دیگران شریک مشو“ (اول تیموتاؤس ۵: ۲۲). من از دست گذاردن بر این برادر عزیز امتناع کردم و می‌خواستم اراده خود را بیشتر در این مورد بدانم. شاید شما نیز دچار این کشمکش شده باشید که بر چه کسی باید دست بگذارید و او را به خدمت منصوب کنید. شاید برخی از شما نیز در زمینه دعوت خودتان دچار کشمکش و تلاطم فکری شده باشید و از خود پرسیده باشید که خداوند چگونه این امور را بر ما روشن می‌سازد. آنچه مرا بر آن داشت تا کلام خدا را برای یافتن پاسخ جستجو کنم، همین سؤال خودم بود. لذا می‌خواهم نتایج مطالعات خود را در خصوص این موضوع مهم با شما در میان بگذارم.

خدایی که دعوت می‌کند

وقتی تعلیم کتاب مقدس را در خصوص دعوت الهی به خدمت مورد بررسی قرار می‌دهیم، باید ابتدا از خود خدا شروع کنیم. خدا انسان را به خدمات خاصی فرا می‌خواند؛ برای مثال، لازم است به زندگی پولس رسول نگاه کنیم؛ می‌فرماید: ”از پولس که به حکم نجات‌دهنده ما خدا و امیدمان، مسیح عیسی، رسول عیسی مسیح است“ (اول تیموتائوس ۱: ۱، هزاره نو). می‌توانیم مشاهده کنیم که دعوت خدا شخصی است. او در زمان‌ها و مکان‌هایی خاص، مستقیماً با انسان سخن می‌گوید. نخستین دعوت او برای این است که نجات را دریافت داریم تا او بتواند با ما مصاحبت داشته باشد. ”امین است خدایی که شما را به رفاقت با پسرش خداوند ما عیسی مسیح، فرا خوانده است“ (اول قرنتیان ۹: ۱، هزاره نو). او کسانی را که دور هستند فرا می‌خواند تا به واسطه پسرش عیسی مسیح نزد او بیایند و از طریق فداکاری‌اش بر صلیب، نجات یابند. درست است که همه ایمانداران دعوت دارند تا با استفاده از عطاهای روحانی خود، مسیح را خدمت کنند، اما از کلام خدا بروشنی درک می‌کنیم که خدا بعضی را به‌طور خاص برای خدماتی معین در بدن مسیح دعوت می‌کند. این خدمات در افسسیان ۴: ۱۱ تحت این عناوین تعیین شده‌اند: رسول، نبی، مبشر، و معلمی که شبان است. در مقالات آینده به تعریف دقیق هر یک از این خدمات خواهیم پرداخت. اما در اینجا ذکر این نکته کافی است که خدمات خاصی در کتاب مقدس هست که خدا برای کلیسایش مقرر داشته است. پولس رسول به خدمات خود اینچنین اشاره می‌کند: ”و من به همین منظور بر گماشته شدم تا واعظ و رسول و معلم ایمان راستین برای غیریهودیان باشم“ (اول تیموتائوس ۲: ۷). ما همین دعوت خاص را مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهیم داد به این امید که رهنمودهایی برای کشف دعوت خودتان به‌دست دهیم.

نحوه تشخیص دعوت

خدا نه فقط خدایی است شخصی، بلکه در تاریخ نیز حضور دارد و افراد را در زمان‌هایی خاص برای تحقق اهدافی خاص بر می‌گزیند. خدا نسبت به نیازهای قومش و

جهان بی تفاوت نیست؛ رحمت و شفقت او را بروشنی در دعوت موسی می بینیم تا عامل رهایی یهودیان از اسارت مصر باشد. دعوت او اغلب به سراغ کسانی می آید که از همان باری که دل او را می شکند برخوردار باشند. حدود دوازده سال پیش، این بار سنگین را احساس کردم که کلیساهای ایرانی نیاز به خادمین تربیت شده دارند؛ همین یقین بود که خدا مورد استفاده قرار داد تا مرا بسوی آغاز فعالیت Talim Ministries هدایت کند. خدا چه بار روحانی را در دل شما قرار داده است؟ چه نیازهایی در کلیسای شما نادیده گرفته می شود، یا در شهر شما مردم با چه مشکلاتی دست به گریبانند؟ وقتی در این نیازها غوطه ور می شوید و با دعا به حضور خدا می روید، ممکن است کلیدی برای دعوت خود بیابید.

خدایی ”همکار“

دیدیم که خدای ما خدایی است شخصی و در تاریخ ما حضور دارد؛ اما فکر می کنم خصوصیت حیاتی دیگری در خدا هست، در خدایی که ما را به خدمت فرا می خواند؛ و آن این است که خدا ”همکار“ است و می خواهد ما با او در خدمت همکاری کنیم. پولس می فرماید: ”ما فقط همکارانی هستیم متعلق به خدا، و شما مزرعه و ساختمانی متعلق به خدایید“ (اول قرن تیان ۳: ۹). این واقعیت که خدا مقرر داشته تا مردمانی عادی مثل من و شما، مشیت او را تحقق بخشند، پیوسته مرا به حیرت وا داشته است. او به دنبال خادمینی امین است تا بتواند روح خود را بر آنان افاضه دارد و ایشان را برای پیشرفت ملکوتش بر روی زمین به کار برد. پولس ما را ”مزرعه ای“ می خواند که خدا می خواهد در آن خصائل الهی خود را در آن رشد و نمو دهد؛ این نکته این حقیقت را به ما یادآوری می کند که او می خواهد نه فقط خدمت خاصی برای او انجام دهیم، بلکه تبدیل به الگویی شویم که دیگران بتوانند از آن پیروی کنند. یعقوب رسول چنین هشدار می دهد: ”برادران من، مباد که بسیاری از شما در پی معلم شدن باشند، زیرا می دانید که بر ما معلمان، دآوری سخت تر خواهد شد“ (یعقوب ۳: ۱). پولس همچنین ما را ”ساختمان“ می خواند تا نشان دهد که باید اراده او را بنا کنیم و اینکه خدمات خاصی را در کلیسا انجام دهیم. چقدر تشویق آمیز است

که بدانیم خدا برای هر یک از ما نقشه و هدف خاصی دارد و می‌خواهد زندگی ما را برای ملکوت خود مفید و سازنده سازد. این فایده‌مندی زمانی تحقق می‌یابد که دعوت خاص خدا را برای خدمت خود کشف کنیم. هرگز آن روز را فراموش نمی‌کنم که صدای خدا را شنیدم که مرا فرا می‌خواند تا خود را برای خدمت انجیل آماده کنم. این دعوت شبیه همان چیزی بود که یعقوب توصیف کرده، می‌فرماید: ”اما آن حکمت که از بالا است، نخست پاک است، سپس صلح‌آمیز و ملایم و نصیحت‌پذیر، و سرشار از رحمت و ثمرات نیکو، و بری از تبعیض و ریا“ (یعقوب ۳: ۱۷).

خدا چگونه دعوت می‌کند

”که را بفرستم و کیست که برای ما برود؟“ گفتم: ’لبیک، مرا بفرست‘“ (اشعیا ۶: ۸).

چه شادی‌بخش است که انسان بدون ذره‌ای تردید بداند که خدا او را برای خدمت فرا خوانده است. عوامل متعددی ممکن است شخص را بر انگیزد تا وارد خدمت انجیل شود، اما بسیار حیاتی است که بدانیم همه آنها از جانب خدا نیست. وقتی در دانشگاه الهیات بودم، اغلب شبها تا دیروقت با سایر همکلاسی‌هایم بحث می‌کردیم که چرا وارد این رشته شده‌ایم. یکی از همکلاسی‌هایم که پدرش شبان معروفی بود، اعتراف کرد که فقط به‌خاطر خشنودی پدرش بوده که وارد این رشته شده است؛ یکی دیگر از آنان معتقد بود که شبان شدن، بهترین راه است برای برقراری عدالت در دنیا و ایجاد تغییر در آن.

از آن پس، ساعت‌های متمادی با شبانان گفتگو داشته‌ام و احساس کرده‌ام که بعضی از برادران ما خدمت شبانی را انتخاب کرده‌اند چون به این شکل، می‌توانند از موقعیتی مناسب و اقتدار بر دیگران برخوردار باشند. وقتی جوان و مشغول تحصیل الهیات بودم، سؤالی که مرا عذاب می‌داد، این بود که ”خدا دقیقاً به چه روشی شخص را برای خدمت دعوت می‌کند؟“ می‌خواستم مطمئن شوم که انگیزه من، جاه‌طلبی و سایر احساسات گناه‌آلود نیست. شدیداً می‌خواستم بتوانم نشانه‌هایی را در زندگی خود تشخیص دهم تا نشان دهد که مرا خدا دعوت کرده است. در این دومین بخش از مجموعه ”تشخیص دعوت الهی برای خدمت“، می‌خواهم آنچه را که در طول این سالها تجربه کرده‌ام، با شما در میان بگذارم.

اطمینان از دعوت

در جوانی، وقتی اشعیا ۶: ۸ را می‌خواندم، قلبم می‌سوخت که صدای خدا را مانند این نبی بشنوم و به‌طور مطلق یقین حاصل کنم که او مرا فرا خوانده تا شبان باشم. به‌نظر

می‌رسد که اشعیا تردیدی نداشت که او را خدا فرا خوانده است. آیا یقین او بهسبب تجربه عمیقی بود که در مواجهه با قدوسیت خدا در معبد داشت؟ بهسبب تطهیر از گناه که بهدنبال این مواجهه، بهدست فرشته خداوند صورت گرفت و فرشته لبان او را با اخگر فروزان پاک کرد؟ آیا من نیز می‌توانستم یقین داشته باشم که صدایی که می‌شنیدم از خدا است؟ آیا خدا راهی برای من فراهم کرده بود تا اطمینان داشته باشم که او مرا فرا می‌خواند تا خدمتش کنم؟

ابزارهای الهی تشخیص

شهادت درونی

کلام خدا ابزارهایی مفید در اختیار ما قرار می‌دهد تا این مسائل عاجل را تشخیص دهیم. نخست باید به آن عاملی توجه کنیم که پدران اولیه کلیسا آن را ”شهادت درونی“ در مورد دعوت خدا می‌خواندند. این امر را در زندگی ارمیا مشاهده می‌کنیم که می‌نویسد: ”پس کلام خداوند بر من نازل شده، گفت...“ (ارمیا ۱: ۴). این عنصری است حیاتی در شنیدن صدای خدا که طی آن، او با قلب ما سخن می‌گوید و عشقی عمیق را برای خدمت در دل ما می‌کارد. این تجربه می‌تواند نقطه آغازی باشد برای شما، همان گونه که برای من نیز بود. فقط نوزده سال داشتم که در یک جلسه عبادتی، بروشنی احساس کردم که روح‌القدس مرا هدایت می‌کند تا خدمت انجیل را دنبال کنم. این تجربه مرا در این مسیر قرار داد که خدا را بهتر بشناسم و مطمئن‌گردم که صدای او را درست تشخیص می‌دهم. نتیجه آن الزام درونی این بود که این عشق به خدا و خدمتش در من به‌گونه‌ای روزافزون رشد می‌کرد. من بسوی آن کشیده می‌شدم، همانگونه که شب‌پره بسوی نور کشیده می‌شود. خدمت به خدا مرا به جلو سوق می‌داد و هر روز دلم می‌خواست بیشتر او را خدمت کنم؛ با هر تجربه‌ای در خدمت، شادی و آرامش بیشتری بهدست می‌آوردم و می‌دانستم که مشغول انجام کاری هستم که برای آن آفریده شده‌ام. دیگران ممکن است این دعوت را بعد از مدتی اشتغال به خدمت درک کنند، و کشف نمایند که نسبت به آن اشتیاقی شدید دارند. هر گاه خدا ما را برای خدمت خود انتخاب می‌کند، آنچه دال بر دعوت او است، یقین

عمیق و روزافزونی است از این امر که برآستی او است که ما را فرا می‌خواند و هیچ چیز نمی‌تواند آن نجوای درونی را خاموش سازد.

شهادت بیرونی

متأسفانه، عده زیادی به‌هنگام تلاش برای تشخیص دعوت خدا، دچار گمراهی شده‌اند و تصور کرده‌اند که دعوت درونی یگانه ضابطه برای ورود به خدمت است. ایشان به تجربه‌های شخصی عمیق با خدا اشاره می‌کنند که ایشان را متقاعد کرده که قطعاً از سوی خدا فرا خوانده شده‌اند. در اینجا نیز می‌توانیم از تاریخ کلیسا درسی بیاموزیم و دومین بُعد از دعوت خدا را مشاهده کنیم. پدر کلیسا آن را "شهادت بیرونی" نامیده‌اند.

کتاب مقدس بروشنی تعلیم می‌دهد که "دل از همه چیز فریبنده‌تر است و بسیار مریض" (ارمیا ۱۷:۹)؛ به همین دلیل، خدا وسیله‌ای تدارک دیده تا احساسات دل ما را بسنجد. کلام خدا تعلیم می‌دهد که دعوت واقعی از سوی خدا، همواره از جانب بدن مسیح تأیید می‌شود. این امر را در زندگی رسولان مشاهده می‌کنیم. در کتاب اعمال ۱۳:۲، برنابا و پولس را می‌بینیم که همراه با تمام کلیسا، در دعا منتظرند که خدا ایشان را هدایت کند. وقتی روزه گرفتند و دعا کردند، روح القدس چنین فرمود: "برنابا و سولس را برای من جدا سازید، به‌جهت کاری که ایشان را بدان فرا خوانده‌ام." بدینسان، روح القدس به کلیسا تأیید کرد که برنابا و پولس واقعاً از سوی خدا انتخاب شده‌اند؛ فقط در این شرایط بود که کلیسا بر ایشان دست گذاشت و برای خدمت گسیل داشت.

در این متن از کتاب مقدس، چند عامل بسیار مهم برای تشخیص دعوت خدا وجود دارد. نخست آنکه ما باید از سوی بدن مسیح مورد تأیید قرار گیریم. اگر دست خدا را بر وجود خود احساس می‌کنید، باید عضو فعال جماعت محلی خود گردید و آنگاه دعوت خود را با شبان یا مشایخ در میان بگذارید و از ایشان بخواهید با شما در مورد تأییدتان دعا کنند. دوم، بدیهی است که کلیسا باید این مسئولیت را خیلی جدی تلقی کرده، با آنانی که می‌خواهند خدمت کنند وقت صرف کند و از این راه، احساس دعوت ایشان را بسنجد؛ برای این منظور، باید در بدن مسیح خدماتی مناسب به ایشان بسپارند؛ به دنبال این، باید خصوصیات اخلاقی شخص داوطلب ارزیابی شود، و سنجیده شود که آیا خدمت او

ثمربخش است یا نه. در بعضی از موارد، رهبران کلیسا ممکن است پیش از خود فرد، مسح الهی را در او تشخیص دهند. شاید به همین علت است که پولس به تیموتائوس می‌نویسد: ”به آن عطایی که در توست بی‌اعتنایی مکن“ (اول تیموتائوس ۴: ۱۴، هزاره نو). مفهوم مهمی که از این امر باید درک کرد، این است که در دعوت الهی دو بخش وجود دارد که هر دو باید تأمین شود.

شهادت شرایط

اما خدا از سر فیض خود، نشانه دیگری برای تأیید دعوت خود عطا می‌کند و آن، ”شهادت شرایط“ است، یعنی فرصت‌هایی در زندگی واقعی که خدا بر سر راه ما قرار می‌دهد. گاه، خدا فرصت یا نیازی را بر سر راه ما قرار می‌دهد تا ما را بسوی خدمت جذب کند. در زندگی خود من، نیاز کلیسا به خادم جوانان بود که خدا مورد استفاده قرار داد تا مرا وارد خدمت سازد. گاه نیز ممکن است نبودن فرصت، مانع شخص از ورود به خدمت گردد. بسیاری را می‌شناسم که هدایتی عمیق برای خدمت دارند، اما نبودن فرصت برای انجام تحصیلات لازم یا فراهم شدن جایی خالی در کلیسایشان، مانع آنان شده است. در چنین شرایطی، چنین اشخاص را تشویق می‌کنم که تحصیلات را به‌طور خصوصی انجام دهند و شروع به انجام خدماتی غیررسمی به اطرافیان خود نمایند. برادری را می‌شناسم که هیچ مقام رسمی در کلیسایش نداشت؛ اما به ابتکار خود، شروع کرد به هدایت مردم بسوی مسیح و شاگرد ساختن آنان. وقتی رهبران دیدند که خدا چگونه او را به‌کار می‌برد، از او دعوت کردند تا جزو هیأت رهبران گردد.

پس خدا چگونه ما را به خدمت فرا می‌خواند؟ ابتدا با ما سخن می‌گوید و اشتیاقی عمیق و درونی در ما پدید می‌آورد. سپس آن را به‌وسیله کلیسا مورد تأیید قرار می‌دهد. آنگاه فرصت‌های خاصی برای خدمت ایجاد می‌کند. آیا می‌خواهید صدای او را بشنوید؟ پس یقین حاصل کنید که به ”شهادت درونی“ و نیز به ”شهادت بیرونی“ گوش فرا می‌دهید.